

56. سوره واقعه آیه 41-48

پیام ها 4- خوشگذرانان سرمست بدانند که کامیابی های غافلانه، آنان را به چه ذلت و نکبت و زجری خواهد کشید. «مترفین - فی سموم و حمیم و ظل من یحموم» 7- رفاه و عیاشی، بستر ارتکاب گناه و تردید در معاد است. «مترفین... یصرون... اذا متنا...» 9- خطر آنجاست که انسان، تردید نابجای خود را در جامعه گسترش دهد و عامل انحراف دیگران شود. «کانوا یقولون اذا متنا و کتا ترابا» 10- افراد شبهه افکن، دامنه تردید را توسعه می دهند. «أو آباؤنا الاولون»

آیه

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَأْصِحَابُ الشِّمَالِ
فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ
وَظِلِّ مَن يَحْمُومٍ
لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ
إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ
وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ
وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنْتَا لَمَبْعُوثُونَ
أَوْ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

ترجمه

و (اما) یاران دست چپ، چه هستند یاران دست چپ (شقاوتمندان و نامه به دست چپ داده شدگان).

در میان باد سوزان و آب داغ.

و سایه ای از دود غلیظ و سیاهند.

که نه خنک است و نه سودبخش.

البته آنان پیش از این (در دنیا) نازپرورده و خوشگذران بودند.

و همواره بر گناه بزرگ پافشاری می کردند.

و پیوسته می گفتند: آیا هنگامی که ما مردیم و به صورت خاک و استخوان شدیم. آیا حتماً ما برانگیخته می شویم؟

و آیا نیاکان ما (نیز برانگیخته می شوند)؟

نکته ها

«سموم» باد سوزانی است که مثل سم در بدن نفوذ کند و «مسام» به سوراخ‌های ریز بدن گفته می شود. «حمیم» به معنای آب‌جوشان و بسیار داغ و «یحوموم» دود غلیظ سیاه است. «مترف» به معنای فرد برخوردار از نعمت‌های زیاد که گرفتار غفلت و طغیان شود.

«حینث» به معنای گناه بزرگ است و بیشتر در مورد پیمان شکنی و تخلف از سوگند بکار می رود. «یصرون» از «اصرار» است. این لغت چهار مرتبه در قرآن آمده و در مورد اصرار بر انجام گناه است.

در قیامت، «اصحاب شمال» در عذاب و شکنجه بسیار قرار دارند: باد سوزان، آب جوشان و دود سیاه، غلیظ و سوزان. (38) «سموم و حمیم و ظل من یحموم» هنر قرآن به گونه ای است که آینده و حوادث قطعی آن را همچون گذشته ترسیم می کند. آن گونه قیامت را مطرح می کند که گویی مجرمان حاضر و در دادگاه محاکمه و پرونده آنان بسته و فرمان صادر شده است.

مقایسه بهشتیان و دوزخیان

در اینجا با توجه به آیات متعدّد، میان جایگاه اصحاب یمین در بهشت و اصحاب شمال در جهنّم مقایسه ای می کنیم:

برای اصحاب یمین:

برای اصحاب شمال:

سایه ای ممتد و دائم. «فی ظلّ ممدود» سایه‌ای از دود سیاه. «ظلّ من یحموم»

میوه‌هایی مجاز و مدام. «لامقطوعة نه خنک و نه سودمند. «لابارد و لاممنوعة»

نوشیدنی هایی پاکیزه. «شراباً طهوراً» (39)

آبی همچون فلز گداخته. «بماء کالمهل» (40)

رودهایی از آب. «أنهار من ماء» (41)

در آرزوی آب. «افیضوا علینا من الماء...» (42)

رودهایی از شیر. «أنهار من لبن» (43)

آبی سوزان و زهرآلود. «حمیم و غساق» (44)

رودهایی از شراب. «أنهار من خمر» (45)

آبی چرک و خون آلود. «من غسلین» (46)

رودهایی از عسل. «أنهار من عسل مصقی» (47)

آبی پست. «ماء صدید» (48)

دو بهشت و باغ بزرگ. «جنتان» (49)

مکانی تنگ. «مکانا ضيقاً» (50)

برخوردهایی با سلام و سلامتی. «الا قیلاً لعنت و نفرین به یکدیگر. «کلما دخلت سلاماً سلاماً» (51)

امة لعنت اختها» (52)

ورودی با احترام. «طبتم فادخلوها» (53)

ورودی با قهر و نفرت. «خذوه فغلوه» (54)

برخورداری از رحمت و درود الهی. «سلام توهین و بایکوت.

«قال اخسئوا فیها قولاً من ربّ رحیم» (55)

و لاتکلمون» (56)

پذیرایی کنندگانی بی نظیر. «یطوف علیهم، گردش در میان آتش و آب سوزان.

«یطوفون ولدان مخلدون» (57)

بینها و بین حمیم آن» (58)

(38) تفسیر مراغی.

(39) انسان، 21.

(40) کهف، 29.

(41) محمد، 15.

(42) اعراف، 50.

(43) محمد، 15.

(44) ص، 57.

(45) محمد، 15.

(46) حاقه، 36.

(47) محمد، 15.

(48) ابراهیم، 16.

(49) الرّحمن، 46.

(50) فرقان، 13.

(51) واقعه، 26.

(52) اعراف، 38.

(53) زمر، 73.

(54) حاقه، 30.

(55) یس، 58.

(56) مؤمنون، 108.

(57) واقعه، 17.

(58) الرّحمن، 44.

پیام ها

1- در قیامت دسته‌ای از مردم اهل شقاوتند و نامه عملشان را در دست چپ دارند. «و أصحاب الشمال»

2- وضع دوزخیان به قدری هولناک است که مایه‌ی شگفتی و تعجب می شوند. «ما أصحاب الشمال»

3- عذاب‌های قیامت، بسیار سخت است. («سموم» و «حمیم» نکره آمده که نشانه سختی و عظمت است.)

4- خوشگذرانان سرمست بدانند که کامیابی‌های غافلانه، آنان را به چه ذلت و نکبت و زجری خواهد کشید. «مترفین - فی سموم و حمیم و ظل من یحموم»

5 - آنچه گناه را سنگین و خطرناک‌تر می کند، اصرار بر آن است. «یصرّون علی الحنث العظیم»

6- خداوند عادل است و عذاب بر پایه عملکرد خود انسان است. اگر خلافکاران سه نوع شکنجه دارند: بادی سوزان، آب داغ و سایه داغ، به خاطر آن است که سه خلاف پیوسته

دارند. «کانوا... مترفین... کانوا یصرّون علی الحنث... کانوا یقولون»

7- رفاه و عیاشی، بستر ارتکاب گناه و تردید در معاد است. «مترفین... یصرّون... اذا متنا...»

8 - منکران معاد، دلیل بر انکار ندارند و تنها بعید می شمرند. «اذا متنا...»

9- خطر اتجاست که انسان، تردید نابجای خود را در جامعه گسترش دهد و عامل انحراف دیگران شود. «کانوا یقولون اذا متنا و کتا ترابا»

10- افراد شبهه افکن، دامنه تردید را توسعه می دهند. «أو اباؤنا الاولون»